



انجمن حقوقی کد ۹۰
isu-law90.samenblog.com

مقوق جزای عمومى 2 (دکتر قاسم محمدى) / جلسہ دوم

باسمه تعالى



انجمن حقوقی کد ۹۰
isu-law90.samenblog.com

حقوق جزا عمومى 2 (دکتر قاسم محمدى)

جلسہ دوم



موضوع جلسه : مسئولیت و افراد مسئول

مسائل این ترم در پرتوی اصل شخصی بودن مسئولیت است در حقوق کیفری با حقوق غیر کیفری تمایزی دیده میشود؛ 2 نوع نظام دادرسی وجود دارد

اول: نظام دادرسی کیفری دوم: آیین دادرسی غیر کیفری (مدنی)

برای دانستن تفاوت آیین دادرسی عام و آیین دادرسی خاص، در حقوق کیفری به مسائل سال گذشته رجوع شود در ایران آنچه که به دادگاه منتهی میشود بحث های مربوط به حقوق کیفری است؛ آیین دادرسی مدنی به کلیه مسائل حقوقی به غیر از مسائل کیفری مربوط میشود. مدنی در برابر کیفری یعنی عام در برابر خاص

مقدمه اول : اصل شخصی بودن در حقوق کیفری

چون آنچه در پرتو مسئولیت در حقوق کیفری مورد بحث است، تنبیه و مجازات است، اصل بر این است که فرد خاطی شناسایی شود و خودش شخصا مجازات شود

اما در امور غیر کیفری گاهی اوقات شما در پی جبران خسارت یا تامین یک مصلحت هستید؛ در این صورت مهم نیست که چه کسی عامل اصلی است. مثلا در حقوق مدنی بیان میشود که صاحب کارخانه یا کارفرما مسئول تمام خسارت هایی است که در محیط کار جدید پدید میآید؛ لذا اگر کارگری در محیط کارخانه صدمه ببیند هزینه های درمان وی برعهده ی رئیس کارخانه است. در مثال بالا فرد به موجب نفع رسانی به دیگری صدمه خورده و چون او نفع کار را برده است باید ضرر را هم بپردازد و لو اینکه هیچ مداخله ای در پدید آمدن حادثه نداشته باشد اما در حقوق کیفری نمیتوان این بحث را مطرح کرد. در حقوق کیفری نمیتوان گفت که یک نفر کشته شده و چون بدون مجازات نمیتواند بماند یک نفر پیدا کرده و او را بکشیم. در حقوق کیفری باید ثابت کنیم که فرد مجرم با مسئله مربوط بوده است. فرد اراده و اختیار داشته و به موجب عاملی که انجام داده مستوجب کیفر شده است؛ وقتی مستوجب سرزنش تلقی شد امکان این که مجازات بر آن جریان پیدا کند، هست؛ بنابراین در حوزه حقوق کیفری اصل شخصی بودن، یک اصل مبنایی است برخلاف حقوق مدنی. اصل شخصی بودن در حقوق مدنی هم هست ولی عدول از اصل شخصی بودن هم به راحتی اتفاق می افتد مثلا یک نفر تصادف کرده است و دولت ضمانت میکند خسارت آن را توسط صندوقی پرداخت کند. در زلزله هم همین طور است که مسئول جبران خسارت آن دولت است، اگر چه زلزله هیچ ربطی به آن نداشته باشد. در حقوق مدنی اگر مشکلی پیش بیاید در سلسله مسئولیت از کارمند ساده تا رئیس کل پاسخگو است. ما براساس میزانی که فرد اختیار دارد آن را مسئول میدانیم؛ مثلا در قضیه ی اختلاس بزرگ نه تنها کسانی که اختلاس کردند بلکه تمام مسئولین بانک مرکزی تا وزیر اقتصاد مسئول است. مثلا در سرقت اگر کسی کاپشن شما را بدزد، از نظر حقوق مدنی باید خسارت آن را بپردازد و از لحاظ حقوق کیفری در دادگاه کیفری مجازات میگرد



تفاوت سیستم های مسئولیت در حقوق کیفری و حقوق مدنی:

تسلط قاضی کیفری بر مدنی از آنجایی به دست میاید که قاضی کیفری میتواند بر وجوه مدنی پرونده نیز حکم بدهد اما خلافش ممکن نیست (اصل تقدم و حاکمیت امر کیفری). اصل اناطه یعنی یا اول به دادگاه مدنی بروند و مشکل خود را حل کنند، بعد به دادگاه کیفری بیایند و طرح دعوی کنند. در حقوق کیفری، اصل مسئولیت، گام به گام، بر اساس وجود شرایط مسئولیت توسعه پیدا میکند و این گونه نیست که صرف تحقق یک جرم به صورت خودکار کسی را مسئول بدانیم؛ لذا سیستم های مسئولیت با هم متفاوت اند؛ در **حقوق مدنی** مسئولیت تضامنی داریم یعنی عده ای در برابر شما با امضای سند یا تعهدی مسئولیت دارند و شما با مراجعه به هر کدام میتوانید مطالبه خود را بگیرید

در **حقوق کیفری** مسئولیت تضامنی بهاین معنا نداریم که اگر اتفاقی برای شما افتاد، از یکی از این گروه ها که خواستید، شکایت کنید.

مثال دیگر: در تعهدات مدنی مسئله ی ضمان مطرح است ضمان در متون فقهی نقل ضمه به ضمه است شاید در حقوق مدنی پذیرفته شده باشد مانند این که خسارت ماشین توسط بیمه پرداخت میشود و حتما نباید توسط فرد خطاکار پرداخت شود اما در حقوق کیفری نمیشود مثلا به جای پسر، پدر را قصاص کرد. میتوان عوض دیگری دیه داد ولی نمیتوان جای دیگری قصاص شد.

مقدمه دوم:

جرائم در معنی جرم ها از نظر مداخله افراد در جرم با هم متفاوت اند؛

1- برخی از جرم ها اساسا یک نفری محقق میشود مانند جرم شرب خمر که دو نفره محقق نمیشود حتی اگر 2 نفری از یک لیوان بنوشند، باز هم دو جرم مجزا رخ داده است یا اینکه یک نفر به زور مشروب به دیگری بخوراند، بازهم شرب خمر توسط یک نفر صورت گرفته است و جرم دیگری شرب خمر نیست اما این که کسی که خورده، مجرم است یا نه، محل بحث است. مثال دیگر ورود به منطقه ممنوعه نظامی است که کار یک نفری است حتی اگر 3 نفری دست یکدیگر را گرفته و وارد منطقه نظامی شوند، باز هم برای هر کدام به طور جداگانه یک جرم مستقل محسوب میشود

2- برخی جرائم با دو نفر محقق میشود ولی این بدین معنا نیست که دو نفر یک کار انجام میدهند؛ مثلا قتل همیشه 2 نفر میخواهد: حداقل یک قاتل و یک مقتول ولی یک نفر موضوع جرم است و دیگری فاعل اما برخی مواقع میشود 2 نفر فاعل باشند مانند زنا و آن هم به شرطی است که تجاوز نباشد و با رضایت دو طرف باشد؛ این جا 2 زناکار داریم و دو عمل متفاوت



انجام شده؛ چون ممکن است زناکار به هر دلیل از قبیل اینکه عاقل نبوده و ناهوشیار بوده است، اشتباه شده است و فرد مسئول نباشد.

مثال حقوقی: اگر زنی در دوره ی عده ی رجعی باشد (3 تا 28 روز) و مرد از او بپرسد شما ازدواج کرده اید و زن بگوید سابقا ازدواج کرده ام و الان مطلقه ام و بگوید در عده نیستم و دروغ بگوید و با هم ازواج کنند، آیا مرد زنا کرده است؟ مرد زنا نکرده ولی زن زنا محصنه کرده است؛ چون طلاق رجعی است و هنوز مفارقت صورت نگرفته است (اگر مرد چند ماه به ماموریت برود از احسان خارج میشود ولی زنش هنوز محصنه است) و اگر طلاق باعن باشد زنا غیر محصنه است.

بیشتر بدانید: عده رجعی و باعن: زنی که از همسرش جدا میشود در مواردی باید عده نگه دارد اما در این موارد نیاز نیست از قبیل یائسگی؛ غیرمدخوله (بوووق) بودن و زنی که به بلوغ نرسیده و عده ندارد اما زنی که در سن عادت ماهیانه است (از 9 سالگی تا 50 یا 60 سالگی) به شرط مدخوله بودن در صورت جدا شدن از همسر باید عده نگهدارد که عده آن 3 عادت ماهیانه است.

در طلاق باعن از لحظه طلاق از هم جدا شده و برهم حرام میشوند ولی در طلاق رجعی آخر دوره عده، زوجیت به طور کامل منقطع میشود و در طول این مدت میتوانند بدون نیاز به ازدواج، مجدداً به همدیگر رجوع کنند اگر مرد زن را طلاق دهد، رجعی است ولی اگر زن درخواست طلاق دهد، باعن است.

نکته: فقط مرد میتواند طلاق دهد حتی اگر زن متقاضی باشد

نکته: دادگاه معمولاً طلاق رجعی نمیدهد و باعن میدهد

جرائم جنسی تنها مصداق جرم چند نفره هستند برخی جرائم هستند که هم با یک نفر قابل تحقق اند و هم با بیش از یک نفر؛ مانند سرقت هم یک نفری میشود میز را دزدید و هم دوفنری سرمیز را گرفت و آن را دزدید دو نفر یک جرم انجام میدهند.

جرائم سازمان یافته: برخی جرائم هم هستند که مشروط به اینکه عده ای در آن شرکت داشته باشند، جرم محسوب میشوند که به آن جرائم سازمان یافته میگویند و بدون گروه ممکن نیست؛ مانند قاچاق انسان یا نسل کشی

ثمره بحث این میشود که

1. برخی از جرائم یک نفری محقق میشود (مباشر).
2. برخی با بیش از یک نفر تحقق میابد؛ مانند سرقت دو نفره که مفاهیمی مانند مشارکت مطرح میشود
3. در برخی دیگر به مجرم کمک می شود؛ مانند نردبان گذاشتن برای دزد که در اینجا مفاهیمی چون معاونت مطرح می گردد
4. اگر دیگری را مجبور به انجام عملی کنند از مفاهیمی مانند تسبیب سخن به میان میاید

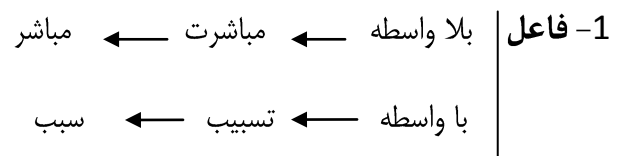


در جرائم سازمان یافته هم مسئله دخالت افراد متعدد در یک جرم واحد به صورت مشروط به سازمان یافتگی محل بحث است بنابراین باید 4 مفهوم مباشر، شریک، معاون و مسبب را بررسی کنیم تا به مفهوم مجرم به طور دقیق پی ببریم مجرم یا شریک است یا معاون یا مباشر یا مسبب.

نکته: جایی که جرم با بیشتر از یک نفر محقق می شود فرد به حسب خودش، موضوع بحث قرار میگیرد؛ مثلاً دو نفر یک فردی را می کشند؛ چون دو رکن روانی داریم، احتمال دارد از سوی یک نفر عمدی بوده و از طرف دیگری خطئی باشد این مانع از اینکه هر دو مسئول این عمل اند، نیست.

مثال: یک نفر عمدی ضربه میزند و دیگری شبه عمدی و مجموع دو ضربه موجب مرگ میشود نفر اول با چوب میزند تا بکشد و نفر دوم ضربه میزند ولی نیت کشتن ندارد؛ در عین حال ممکن است یک رکن مادی چند رکن روانی داشته باشد

مجرم:



2- شریک

3- معاون

معولاً مباشرت در برابر تسبیب میاید؛ عامل ارتکاب جرم گاهی اوقات مستقیماً و بدون هیچ واسطه ای عمل ارتكابی را انجام داده است. اما گاهی اوقات عمل ارتكابی با واسطه اتفاق می افتد

مثال: توهین چه کتبی و چه شفاهی به تسبیب نیست بلکه به مباشرت است اما در قتل میتوان به تسبیب یا مباشرت انجام داد میتواند بلا واسطه فرد را خفه کرد که در این صورت قتل به مباشرت است و همچنین میتوان در شربت او زهر ریخت و به تعارف کرد تا بخورد که در این صورت قتل به تسبیب است

نکته: قانون گذار در قتل تسبیب را نپذیرفته است؛ یعنی اکراه در قتل وجود ندارد اما در تخریب ممکن است فاعل را کنار گذاشته و به سراغ مسبب برود؛ مثلاً فردی کسی را اجیر کند و به او بگوید با بولدز خود این دیوار خانه من را خراب کن. بعد معلوم شود که دیوار مال دیگری بوده است در این مواقع مسئولیت بر عهده ی مسبب است نه فاعل.



فقها در خصوص تسبیب در قتل 4 فرض مطرح کرده اند (براساس کتاب شرایع):

1- **وضعیت:** شخص الف دست و پای شخص ب را بسته و در کنار ساحل رها می کند تا با مد دریا زیر آب برود و بمیرد

2- **همراهی حیوان:** شخص الف سگ خود را به جان شخص ب میاندازد و او را میکشد

3- **همراهی فرد ثالث:** شخص الف به شخص ب بگوید که شخص ج را بکشد

4- **همراهی مجنی علیه:** تعارف زدن ظرف سم و قبول کردن مجنی علیه.

وضعیت 1 و 2 و 4 در قتل محقق است ولی نوع 3 محل بحث است؛ چون با مفاهیمی از قبیل اکراه و اجبار همراه میشود

مثال های دیگر

وضعیت: شخص الف برروی دیوار شخص ب آب جاری کند تا دیوار خراب شود

همراهی حیوان: در بالای یک ماشین بایستیم و گاوی را که درمقابل ما ایستاده خشمگین کنیم تا به ماشین ضربه بزند

همراهی فرد ثالث: به دیگری پول بدهند تا دیوار فرد دیگر را خراب کنند

همراهی مجنی علیه: کلاهبرداری

نکته: کلاهبرداری کلاً به تسبیب محقق میشود